

معرفی مجله اصول تعلیم

بررسی نشریه شماره ۲

● مهران آشوری*

اشاره

نشریه‌های قدیمی حوزه تعلیم و تربیت که توسط پیشکسوتان حوزه تعلیم و تربیت ایران، در سال‌های اولیه تأسیس دستگاه فرهنگ و معارف تهیه و منتشر شده‌اند، از جمله منابع و اسنادی هستند که سیاست‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های افراد آن دوره را نشان می‌دهند. بررسی و واکاوی این نشریه‌ها می‌تواند رویکردهای برنامه‌ای آن دوره را در موضوع تعلیم و تربیت روشن کند. در این شماره به بررسی دومین شماره مجله اصول تعلیم و تربیت می‌پردازیم.

دومین شماره از مجله «اصول تعلیم»، در پانزدهم ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۹ خورشیدی مطابق با شانزدهم شعبان ۱۳۳۸ قمری در ۲۸ صفحه متن اصلی و چهار صفحه جزوه الحاقیه در باب «تاریخ علم» که ادامه از شماره پیشین است، توسط «دارالمعلمین مرکزی» زیر نظر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به صورت ماهانه منتشر شد.

بر روی جلد این شماره، مطلبی از نصیرالدوله، وزیر معارف وقت، به چشم می‌خورد: «منظور ما از افتتاح دارالمعلمین و تأسیس مجله اصول تعلیم تنها تربیت معلم ماهر در تعلیم الفاظ نیست، بلکه از این دو تأسیس، اصلاح اخلاق و تکمیل علوم و تجدید ادبیات، هر سه را می‌خواهیم.»

سپس فهرست مندرجات نشریه بر روی جلد بدون داشتن شماره صفحه، به همراه نام نویسندگان مقالات، نقش بسته است: فهرست شامل این موارد است: شعار مجله و حکمت آن از ابوالحسن فروغی؛ طرح یک مسئله حکمتی و تربیتی از ابوالحسن فروغی؛ تعلیم و تربیت و تناسب آن با حکمت نظری و عملی از غلامحسین رهنما؛ تاریخ طبیعی چه علمی است از ابوالقاسم بهرامی؛ اولین شاعر فارسی از میرزا عبدالعظیم‌خان؛ قطعه

E-mail: masud_f2000@gmail.com

* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

در زیر سرلوحه
مجله، اولین مبحث
در باب شعار مجله
و حکمت آن است.
شعار مجله اصول
تعلیم، آیه شریفه
«قل انظرو ماذا فی
السموات و الارض»
است

حفظی و املاکردنی از نظم منتخب از میرزا عبدالعظیم خان؛ تعلیم علوم ریاضی در دوره ابتدایی از غلامحسین رهنما؛ اخطار و خواهش؛ جزوه الحاقیه دوره دروس تاریخ آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی، جمع آوری شده توسط عباس اقبال آشتیانی.

✍ نخست در زیر سرلوحه مجله، اولین مبحث در باب شعار مجله و حکمت آن است. شعار مجله اصول تعلیم، آیه شریفه «قل انظرو ماذا فی السموات و الارض» است. این مجله خود را در سایه قرآن کریم قرار داده و اصول تعلیم را به روشنایی آن سرچشمه حقایق، روشن نموده است. دلیل این امر را این طور بیان کرده است: «برای آنکه معارف شرقی از هر جا و هر منبع، فروع خود را اقتباس نماید، در اصول و معانی نمی تواند به کلی از تراوش های منابع اسلامی بی نیاز باشد. چه حقیقت ثابتة اسلام نه تنها به عقیده دینی ما، بل به شهادت بی طرفانه تاریخ، آن آفتاب درخشان مشرق است که زمین این اقطار را در اعصار نیک بختی مستعد گشت، حقایق و شکفتن ازهار ترقی و تمدن نموده و آنچه از هزار و سیصد سال پیش تا قرون اخیر ازین ازهار و اثمار در ممالک ما روییده، در پرتو آن آفتاب بوده، تا جایی که این پرتو جزو ذات زمین ما گردیده است. زمین ما به صورت و معنی کشتزار پدران کاردان ماست که در حلقه خود، فارابی و ابن سینا داشتند و اثمار معانی را از هر سو به دست آورده، می کاشتند. مخزن ایشان از انواع ثمرهای گوناگون پر بود و گنجینه ایشان معدن یاقوت و دریای در داشت. اما همه در نظم معارف اسلامی کشیده و در پرتو انوار قرآنی پرورش یافته. پس ما اگر بخواهیم وارث آن نیاکان نامدار و نفایس آثار ایشان باشیم، باید قدر آن نفایس بدانیم و به فرض آنکه گوهری تازه بیابیم، در همان حقه پیشینه بنشانیم به هوای صدف صید نکرده، دامن گوهر را به دریا نریزیم و به امید گل های نشکفته، درخت کهن را نسوزانیم.

با این همه، هرگاه معارف قدیمه ما از اصول مربوطه به تعلیم و تربیت و تهذیب و تکمیل نفس انسانی هیچ نداشت، البته ناگزیر بودیم از اینکه در موضوع های این مجله نیز منحصرأ به معارف و معلومات ملل غربی متکی شویم و درین مقام مقلد صرف باشیم. اما به هیچ وجه متصور نیست که قومی یا اقوامی چند قرون عدیده با عنوان تمدن در عالم زیست نماید و دوره های عظمت و شوکت به خود ببیند، در صورتی که از اصول تربیت در میان ایشان هیچ معمول نباشد. پس در معارف قدیمه ما نیز یقیناً حقایقی که منشأ اصول تعلیم و تربیت شود، موجود است و چون بساتین حکمت و معارف دوره اسلامی همه از زلال آیات قرآنی آب خورده، لهذا درین دوره کتاب کریم را مبدأ و منشأ آن اصول و حقایق دانیم و از آنجا که هر زمینی در صورت کشت تخمه و بذر خارجی هم باید آن تخمه را به مایه و جوهر خود در پرتو آفتابی که در آن اقلیم تابنده است، پرورش دهد، ما ایرانی ها یا عموم مشرق زمینی ها نیز باید یک بار دیگر جواهر معانی را که در خزاین متروکه معارف و آثار قدیمه ما پنهان است، به معرض ظهور و عرصه عمل گذاریم، یا از اینکه معارف و اصول تعلیم و تربیت جدید هم بهره کافی و مایه حقیقی

شک خالی از عناد
و لجاج که به تهییج
هوای نفسانی
مشوب نباشد،
انسان را به تفتیش
حقیقت و مجاهده
در طلب حقایق
وامی دارد

به ما دهد، مایوس باشیم. زیرا درختی که به آب چشمه خرم نشود، از آب چاه که به دلو
آرند چه سرسبزی خواهد برد؟ ...

اما در قرآن مجید چرا این نیمه معین از یک آیه شریفه را به جای شعار مجله
اختیار کرده‌ایم؟... قرآن به یک وجه تماماً تربیت است و گذشته از این وجه کلی باز
آیات متناسب با موضوع ما بسیار دارد، تنبیه، ایفا، امر به فکر و تعقل، تحسین از ذکر
و تذکر، تمجید حکمت، انواع حکم در کتاب الله کریم کم نیست، لیکن ما شعار خود
را به یک نظر اجمالی در قسمتی از آن آیات بینات یافته‌ایم و بر آنیم که بهتر از آن را
کسی نخواهد یافت، مگر در همان کتاب کریم و معنی این سخن کسی به درستی داند
که اندکی به فصاحت و ایجاز قرآنی آشنا باشد و حکمت تعلیم و سر ترقی و رونق علوم
و معارف عصر حاضر را نیز کم یا بیش بشناسد ...

شعار مجله ما جزء اول از آیه صد و دهم از سوره یونس و تمام آیه این است:
«قل انظرو ماذا فی السموات و الارض و ما تغن الآيات و النذر عن قوم لا یؤمنون» ...
امر به اینکه ببینید در آسمان و زمین چیست، با اینکه آیات و نذر برای فاقدين ايمان
کافی نیست، چه تناسب دارد؟ در جواب گوییم آن تناسب که میان تمام ذرات کائنات
است و نظام حیرت‌افزای عالم و تمام زیبایی‌های باغ و بهار و ارض و سما را فراهم کرده،
یعنی تناسب معنایی لطیف و خفی که از نظر عاری از توجه و التفات قهراً مختفی
است، بلی به ظاهر مشکلی در کار است، ولی چون به باطن بینی، گنج‌های معانی
همه اینجاست. این گونه اجزای آیاتی که ربط آن با هم بر عامه بی‌بصیرت غیر معلوم
می‌نماید، تماماً به حکم قواعد فصاحت به هم مربوط است، اما به رابطه خفی و لطیف
که در عین لطافت و خفا به نهایت محکم و متین است و غالباً به همان طرز اتصال
به‌تنهایی برای صاحبان تذکر دریایی از معانی آشکار می‌سازد ...»

دومین مقاله با عنوان «طرح یک مسئله حکمتی و تربیتی» از ابوالحسن فروغی است.
مقاله با طرح یک سؤال شروع می‌شود: آیا فضیلت با شک است یا با یقین؟ ... «نسبت
فضیلت به شک و شکاکی یکی از موضوع‌های فلسفه جدید و از جمله موجبات ترقی و
تکمیل سریع و غیرمنتقطع معارف غربی شمرده می‌شود. پس قابل توجه است ... حکما
و محققین جدید اروپا چون تشکیک در امور را محرک تحقیق و مکمل نظر نقادی یا
محرک آن می‌شمارند، شک و دیرباوری را از افضل مراتب هوشیاری و بینایی محسوب
می‌دارند و قدری از تجلیل‌ها که از خیام ما می‌کنند به همین مناسبت است ... اگر
به مذهب علمای ربانی فضیلت کلی در ایمان و ایمان هم‌معنی یقین است، عقیده
عرفای کامل را در بلندی مقام حیرت به چه حمل باید کرد؟ ... هر شکمی مذموم و ناشی
از جهل و ضلالت نیست، شک خالی از عناد و لجاج که به تهییج هوای نفسانی مشوب
نباشد، انسان را به تفتیش حقیقت و مجاهده در طلب حقایق وامی‌دارد و این مجاهده
یا آدمی را به کشف حقیقت مطلوبه واصل می‌کند ... یا نقص مدارک انسانی و کوچکی

«رهنما»
معتقد است
که خداوند
انسان را
قابل تربیت
و ترقی
آفریده است

و نقصان ظرفیت طالب را برای ادراک حقایق و شناسایی اسرار این کارگاه شگفت‌افزای مکشوف می‌سازد تا از این راه، آن حیرت را که از درک حقایق و خردی وجود خویش نسبت به عظمت و وسعت دستگاه هستی پدید آید، به ظهور می‌رساند ... و این حیرت خود متضمن نوعی از یقین است و کامل‌ترین وجه ایمان را تهیه می‌نماید. پس این نوع از شک ممدوح است ...»

سومین مقاله در باب «تعلیم و تربیت و تناسب آن با حکمت نظری و عملی» از غلامحسین رهنما است: «رهنما معتقد است که خداوند انسان را قابل تربیت و ترقی آفریده است و به دلیل این امتیاز، انسان تنها موجودی است که از تعلیم و تربیت ناگزیر است. به عبارت دیگر انسان اجتماعی نمی‌تواند فقط به طبیعت متکی بوده و با این اتکا زندگی کند. **جالینوس**، فیلسوف یونانی، می‌گوید: همین که آدمی در حین ولادت هیچ همراهی ندارد، جز قابلیت ترقی و تکامل، دلیل است بر آنکه باید به قوت تربیت و نیروی تعلیم بر همه کار خود توانایی پیدا کند. کانت، حکیم مشهور آلمانی، می‌گوید: کمال نفس انسانی منوط به تربیت است و تربیت باید طوری به عمل آید که تمام قوا و استعدادها را به تدریج منظم و متناسباً نمو داده، بنی نوع بشر را به سرنوشت خود رهبری کند. **افلاطون** می‌گوید: آنچه ممکن باشد جسم و جان انسان را به منتهای کمال خود برساند، تربیت جدید است و بس. ...

وجود افلاطون‌ها، ارسطوها، سقراطها، نتیجهٔ تعلیم و تربیت می‌باشد. **ابن‌سیناها**، **فارابی‌ها**، **خواجه نصیرها**، **خیام‌ها** و **ملاصدراها** ثمرهٔ همین شجره‌اند. **نیوتن‌ها**، **دکارت‌ها** و **ولترها** از همین سرچشمه آب خورده‌اند. تعلیم و تربیت و وجود مدارس مانند نظامیهٔ بغداد بود که اروپاییان را خوشه‌چین معارف شرق و رهین منت اجداد ما قرار داد. تمام ترقیات مادی و معنوی بشر بر پایهٔ تعلیم و تربیت بوده است. بحث در کیفیت تربیت و تعلیم، موضوع علم خاصی است که آن را به زبان فرانسوی «پداگوژی»، یعنی فن تربیت کودکان یا همان اصول تعلیم گویند. تنها ترجمهٔ پداگوژی برای ما کافی نیست، زیرا واجب است که در این باب مراعات آداب و رسوم و عادات و اخلاق جاریهٔ ملی نیز بشود و هدف از این مقاله تناسب تعلیم و تربیت با حکمت نظری و عملی و بیان روابطی است که بین تعلیم و تربیت وجود دارد و توجه به این نکته مهم است که مدرسه نه تنها به تعلیم طفل مکلف است، بلکه عمده وظیفهٔ مدرسه و معلم، تربیت طفل است.

خواجه نصیرالدین طوسی در مقدمهٔ **اخلاق ناصری** می‌گوید: حکمت در عرف اهل معرفت عبارت باشد از دانستن چیزها چنان که باشد و قیام نمودن به کارها چنان که باید به قدر استطاعت تا نفس انسانی به کمالی که متوجه آن است برسد و چون چنین بود، حکمت به دو قسم منقسم شود: یکی علم و دیگری عمل. در این جمله منظور اصلی از تعلیم همان قسمت اول حکمت یا حکمت نظری، یعنی دانستن چیزهاست چنان که باشد، و مقصود از تربیت قسم ثانی یا حکمت عملی یعنی قیام نمودن به

تاریخ طبیعی در
صفات از موجودات
بحث می کند که
آن ها را به جماد،
حیوان و نبات
تقسیم می کند

کارهاست چنان که باید و مطلوب از هر دو تکمیل نفس انسانی است. تعلیم بهترین وسیله و لازم ترین آلات تربیت است، زیرا شخص تا نداند نتواند. تعلیم عقل و ادراک انسان را به واسطه اکتساب معلومات ترقی و نمو داده، تربیت را تقویت می نماید. به علاوه معلوماتی که محتاج الیه شخص با تربیت است، بدین واسطه حاصل می آید. خلاصه نسبت تعلیم به تربیت مانند نسبت عقل است به سایر قوای روحیه انسان. تأثیر تربیت در سن طفولیت بیشتر است تا سن شباب و کهولت. اما تعلیم زمانی در سن شباب بیشتر مفید واقع می شود که در طفولیت توانسته باشیم دقت و توجه طفل را به وسیله تربیت به سمت حقیقت طلبی جلب کنیم و اگر موفق شده باشیم، در تحصیلات متوسطه و عالی کار آسان می شود. او خود مسیر را خواهد رفت. فقط باید مواظب باشیم تا به مقصد برسد زیرا به راهنما نیاز دارد.»

چهارمین مقاله با عنوان «تاریخ طبیعی چه علمی است؟» از ابوالقاسم بهرامی است. در این مقاله این طور مطرح می شود که پیشینیان ما بیشتر با دید حکمت و فلسفه در کلیه مباحث وارد می شدند و در ابتدای هر کتاب علمی، نخست به تعریف و بیان موضوع و فایده آن علم می پرداختند. ولی این روش در کتاب های فرنگی رعایت نمی شود، زیرا در اروپا به قدری از موضوع های همه علوم به روشنی یا در ضمن مسائل دیگر گفت و گو به میان می آید که موضوع اکثر علوم برای همگان روشن است. تاریخ طبیعی در صفاتی از موجودات بحث می کند که آن ها را به جماد، حیوان و نبات تقسیم می کند. در وجود حیوان به صفاتی نظر می کند که حیوانیت به آن شناخته می شود. همچنین در نبات و جماد به اوصاف مخصوص نباتی یا جمادی توجه می کند. خواص عمومی اجسام را، از قبیل وزن و تغییرات حجم یا شکل که موضوع های فیزیکی است، یا خاصیت تجزیه و ترکیب و طبیعت جسم را که موضوع شیمی است، از موضوع های تاریخ طبیعی می شمارند. تاریخ طبیعی یک رشته از علوم است که کره زمین و مخلوقات آن را بررسی می کند و در میان علوم بشری اولین رتبه را دارد. انسان به شناسایی محیط زندگی خود نیازمند است. تاریخ طبیعی همان علم «موالید ثلاثه» است ...

پنجمین مقاله در باب «اولین شاعر فارسی» از میرزا عبدالعظیم خان است. او می نویسد: «یزدگرد شاپور را که پدر بهرام بود، هر فرزند که می آمد، در مبادی طفولیت در می گذشت. چون بهرام چهارساله گردید منجمان زایچه طالع او را بنهادند و از روی دلایل نجوم چنان مصلحت دانستند و مقتضی دیدند که بهرام در ولایت غربت نشو و نما کند و مؤدب و مردانه خیزد. یزدگرد رأی ایشان بیسندید و منذر بن عمرو بن عدی لخمی را که از جانب وی پادشاه حیره بود، بطلبید و بهرام را بدو سپرد و تنی چند از ارکان دولت و بزرگان حضرت را نیز با وی به حیره فرستاد تا در میان عرب پرورش یافت و فصیح و شاعر و مبارز و مردانه خاست ...

محمد عوفی در تذکره لباب‌الالباب گوید: بهرام اول کسی است که شعر فارسی گفت و او را شعر تازی است به غایت بلیغ و اشعار او مدون است و بنده در کتابخانه سر پل بازارچه بخارا دیوان او دیده است و مطالعه کرده و از آنجا اشعار نوشته و یاد گرفته و از آن جمله این است که چون بهرام بر سریر مملکت استقرار یافت، جماعتی از اقربا و خواص حضرت به خدمت آمدند و گفتند که ای پادشاه ایام جوانی موسم کامرانی است و آن را به تنهایی گذرانیدن نشاید. اجازت فرمای به جهت تو مخدرهای از اقران و اکفا طلب کنیم و در سلک ازواج کشیم... وقتی آن پادشاه در مقام نشاط و موقف انبساط این چند کلمه موزون به لفظ راند:

منم آن شیر گله منم آن پیل یله نام من بهرام گور و کنیتم بوجیله

پس اول کسی که سخن پارسی را منظوم گفت او بود. نگارنده گوید در اینکه اول شاعر فارسی بهرام گور و اول شعر فارسی بیت مزبور است، محل شبیه و تردید کلام است. چه در هر دوره و زمان در میان ملل متمدنه بلکه ملل وحشی نیز سخنان موزون و غیرموزون موجود بوده و به مرور دهور بر ترقیات و اعتبار آن افزوده‌اند. چنان‌که در میان اطفال کوچک نیز دیده می‌شود که گاهی عبارات مسجع و موزون می‌گویند. ایران که مهد تمدن قدیم و محیط ذوق و استعداد و دارای آن همه تاریخ درخشان و مفاخر و مؤثر نمایان است، چگونه می‌شود مردمش در مدت چندین هزار سال شعر نگفته و در گور به واسطه اقامت و توقف در بلاد عرب، از سخن‌سرایان تازی کسب ذوق و ادب نموده و وقتی به مناسبتی شعر فارسی سروده باشد.



اگر از آثار ادبی ایرانیان قدیم چیزی در دست نیست، همانا به واسطه آن است که تا دوره تمدن اسلامی مملکت ما دو نوبت دستخوش حملات و استیلای اجانب گردید: یکی در زمان غلبه اسکندر مقدونی بر ایران که کتب فارسی و آثار ادبی ما را به آتش ظلم و جور خود نابود ساخت و سلسله سلوکید و اشکانی نیز که بعد از این پادشاه در مدت چندین قرن ایران را در تحت تسلط و اقتدار خود داشتند، بقایای آثار و تمدن ایرانیان قدیم را پایمال ستم و استبداد خود نمودند، و نوبت دیگر پس از غلبه عرب و انقراض دولت ساسانیان بود که کتب فارسی را سوختند و آثار دولت ساسانی را محو و نابود ساختند. ... نظر به این مقدمات ما را از اشعار دوره هخامنشی و ساسانیان و سبک و طریقه اشعار آن زمان اطلاع کامل و صحیحی در دست نیست ...

اکنون ببینیم اول شاعر فارسی بعد از هجرت کیست و نخستین شعری که به زبان فارسی

سروده‌اند کدام است. مرحوم رضا قلی خان هدایت در تذکره مجمع الفصحا گوید: ابو حفص حکیم سغدی سمرقندی، پس از بهرام گور، مقدم پارسی‌گویان در مائه اولی بوده، بعضی اختراع بریط را نیز به او نسبت دهند و از آن‌رو شعرا گویند بریط سغدی گویند از اوست:

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا
یار ندارد او پی یار چگونه رودا. ...

نورالدین محمد عوفی در جلد اول تذکره لباب‌الالباب بعد از هجرت اول، شاعر فارسی را عباس مروزی می‌داند... در نسبت اشعار فوق به عباس مروزی و اینکه وی اول شاعری است که بعد از هجرت به زبان فارسی شعر سروده، محل تأمل و تردید کلام است... آنچه تاکنون در خصوص اولین شاعر فارسی نگاشتیم، موافق مندرجات تذکره‌های فارسی بود و ضمناً معلوم داشتیم که آنچه در این باب نگاشته شده است، مستند به اسناد متقن و محکمی نیست. اینک به ذکر شاعری می‌پردازیم که هیچ یک از ارباب تذکره ذکری از وی نکرده‌اند و آن محمد بن وصیف، دبیر رسائل یعقوب بن لیث صفار، مؤسس سلسله صفاریه است و او نخستین شاعری است که بعد از غلبه عرب بر عجم، به زبان شیرین و ملیح فارسی شعر گفته و در سخن منظوم، دری سفته. یعنی در همان زمان که مملکت ایران به واسطه شجاعت و شهامت یکی از فرزندان دلیر و شجاع خود یعقوب، مجدداً قدم به دایره استقلال می‌گذارد، شعر فارسی نیز به اشاره همین پادشاه عظیم‌الشان زندگی و حیات خود را تجدید می‌کند. ...»

ششمین مقاله با عنوان «قطعه حفظی و املاکردنی از نظم منتخب» نوشته میرزا عبدالعظیم خان است. برای کمک به کار معلمین فارسی و ادبیات و تفریح خاطر خوانندگان یا ترویج فصاحت و بلاغت، حتی‌المقدور در هر شماره مجله، یک قطعه نظم یا نثر فصیح از گفته استادان مسلم، خصوصاً گویندگان و نویسندگان سلف، درج خواهند نمود و برای مزید فایده و راهنمایی در طرز درس‌گفتن و شرح‌دادن عبارات و ابیات شرحی نیز از ترجمه لغات و توضیح عبارات و انتقاد ادبی افزون خواهد شد و در این شماره تیمماً [برای برکت و مبارکی] به یک قطعه شعر خداوند سخن، فردوسی، در بیان توحید شروع می‌گردد و این قطعه برای دوره متوسطه یا لااقل سال ششم ابتدایی است. در این شماره شعر توحید از دفتر دوم شاهنامه که با این مصراع:

به نام خداوند خورشید و ماه
که دل را به نامش خرد داد راه

شروع می‌شود را تا به آخر نوشته و سپس به بررسی معانی لغات و پس از آن به شرح ابیات و در نهایت به نقد شعر پرداخته و سپس به شرح نکات دهگانه در باب دستور تعلیم این قطعه پرداخته است.

هفتمین مقاله با عنوان «تعلیم علوم ریاضی در دوره ابتدایی» از غلامحسین رهنما است. رهنما به این نکته اشاره دارد که موضوعات ریاضی غالباً بلکه عموماً مطالب ذهنی است و این، یکی از علل عمده و قابل توجه از مشکلات تدریس ریاضیات است؛ خصوصاً

در کلاس اول و دوم باید حساب و هندسه به روش سرگرمی آموزش داده شود و بیشتر جنبه تفریحی داشته باشد

در دوره ابتدایی. زیرا از طرفی باید آن دقت مخصوص ریاضی محفوظ بماند و از طرف دیگر مطلب به اندازه‌ای ساده گردد که درخور ادراک طفل شود - اینجاست که معلم ریاضی میدان هنرنمایی ارد و باید به منتها درجه مهارت در شغل خود رسیده باشد - و در تعلیم سبک و روش صحیحی اختیار نماید تا نتایج مطلوب از آموزش ریاضی را خنثی نکند. زیرا عدم تعلیم به مراتب بر سوء تعلیم ترجیح دارد.

در این مقاله نکاتی را مورد بحث قرار داده که ممکن است کار معلم را آسان تر نموده و سبک آموزش ریاضی را که پسندیده است، از کلاس اول ابتدایی در این شماره و سایر رده‌ها در شماره‌های آینده توضیح داده است. در کلاس اول باید تعلیم ریاضی به سبک تجربی انجام شود. در کلاس اول و دوم باید حساب و هندسه به روش سرگرمی آموزش داده شود و بیشتر جنبه تفریحی داشته باشد. اولین مطلب بدون خسته شدن کودک، آموزش موضوع‌های هندسی است نه هندسه اقلیدسی و بیان قواعد مساحت. بلکه رسم خطوط مستقیم افقی و عمودی و مایل و ترکیب آن‌ها بر کاغذ شطرنجی بدون استفاده از لفظ علمی آن است. وقتی که بیشتر دانش‌آموزان به رسم خطوط افقی هم اندازه با فواصل یکسان و یا خطوط عمودی و مایل هم اندازه با فواصل یکسان موفق شدند، سپس آن‌ها را به رسم قطر خانه‌های شطرنجی تشویق کرده و در نهایت مربع و مثلث و مستطیل و خطوط موازی و متقاطع و زاویه و دوزنقه و کثیرالاضلاع را به کودک بشناسانیم و اسم آن را به دفعات تکرار کنیم، ولی بر کودک تحمیل نکنیم و ویژگی‌های مربع را برایش شرح ندهیم. همچنان که وقتی به کودک واژه آب را یاد می‌دهیم، برای او توضیح نمی‌دهیم که آب جسمی است سیال، مرکب از دو جسم بسیط اکسیژن و هیدروژن.

آخرین بخش از این شماره با عنوان «اخطار و خواهش» به این مطالب اختصاص دارد که در این دو شماره، چون مقدمات بسیار بود، برای دستور و نمونه کار در تعلیم و تدریس جایی باقی نماند. ولی از شماره آینده بیشتر به این امر اختصاص خواهد یافت. بهترین راه برای روشن نمودن مسیر تعلیم و تربیت و کمک به پیشرفت کار مدارس آن است که تدریجاً مشکلاتی که پیش می‌آید، به‌طور سؤال و جواب مطرح گردد تا به تدریج رفع مشکلات شود و دستور عمل نیز به دست آید. لذا از عموم آقایان معلمین و اعضای محترم مدارس خواهش می‌شود که مشکلات علمی و عملی خویش را به شکل سؤال به اداره دارالمعلمین ارسال دارند تا در مجله مطرح و موجب استفاده عموم گردد. در جزوه چهار صفحه‌ای الحاقیه مجله اصول تعلیم به ذکر تعریف تمدن از حیث لغوی و اصطلاحی پرداخته، سپس به تشکیل زندگی اجتماعی به عنوان تدبیری برای تسهیل در زندگانی و مفهوم تمدن و درجات آن و مراحل ترقی بشر و نیز به مفهوم خانواده، طایفه، قبیله، قوم و ملت و آموزش راه‌های تأمین معاش از قبیل گله‌داری، زراعت، تجارت و در نهایت به شهرنشینی می‌پردازد.

مدرسه‌های اولیه همدان

از نهضت مشروطه تا پهلوی دوم

● محمود عالمی*

اشاره

ارائه گزارش‌ها و اسنادی از تاریخچهٔ مدرسه‌های جدید در شهرها و استان‌های کشور، یکی از اهداف این فصلنامه است که در هر شماره، مطالب و گزارش‌هایی از آن‌ها را بیان می‌کنیم. سعی ما در ارائهٔ این مطالب، مستند و پژوهشی بودن آن‌هاست. در این شماره نیز گزارشی از تاریخچهٔ مدرسه‌های همدان که توسط آقای محمود عالمی، دبیر بازنشسته و پژوهشگر تاریخ آموزش و پرورش، نوشته شده است، ارائه می‌شود.

مقدمه

کهن شهر همدان در مسیر تحولات فرهنگی خود فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. در نهضت مشروطه‌خواهی (۱۲۸۴ ش) این فراز و نشیب‌ها بیشتر مشهودند. در ادامه به چند نمونه از حوادث اجتماعی آن دوران تا زمان پهلوی دوم که در تحولات آموزشی این شهر مؤثر بوده‌اند، اشاره می‌شود:

۱. شکوفایی نهضت مشروطه و «روح روشنگری جدید در ایران»، باعث تأسیس مدرسه‌های نوین شد. تأسیس تعدادی از مدرسه‌های نوین و اولیهٔ شهر همدان، از جمله «مدرسهٔ نصرت»، حاصل زحمات روشنگران دوران مشروطیت بود؛ آن هم هنگامی که میرزا حسن خان منطق‌الملک معاون حکومت همدان بود» (ذکاتی، ۱۳۹۸).

۲. در جنگ جهانی اول (۱۲۹۳ ش)، ایران به اشغال نیروی خارجی درآمد. در همدان با گسترش قحطی، مدرسه‌ها رونق خود را از دست دادند، اما فعالیت آن‌ها متوقف نشد. حتی برخی از مدرسه‌ها، از جمله «دبستان تأیید»، محل رجوع و یا استقبال از نیروهای خارجی شدند (پاسخگویان، ۱۳۹۶).

* پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

۳. در حکومت رضاخان (۱۳۰۴ش.)، به تدریج نظارت بر مکتب‌خانه‌ها و مدرسه‌ها بیشتر شد. در همدان مکتب‌خانه‌ها تحت نظارت اداره معارف درآمدند. مدرسه‌های خارجی آمریکایی و آلیانس مجبور شدند برنامه‌های آموزشی وزارت را رعایت کنند. مدتی بعد هم تعطیل شدند. در عوض مدرسه‌های جدیدی، از جمله «دبیرستان دولتی پهلوی» ساخته شدند.

۴. واقعه کشف حجاب (۱۳۱۴ش.) که اولین بار در دانش‌سرای مقدماتی دختران تهران نمایان شد، با وجود اینکه با فرهنگ مذهبی معلمان و دانش‌آموزان مسلمان سازگاری نداشت، اما در مدرسه آلیانس همدان یکی از مراسم کشف حجاب با همراهی برخی از مقامات دولتی برگزار شد.

۵. در جریان جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸ش.) و اشغال مجدد بخشی از ایران، رشد تعداد دانش‌آموزان در مدرسه‌های همدان متوقف شد. برخی از مراکز به اشغال نیروهای انگلیسی درآمدند. بعد از خروج آن‌ها، یکی از محل‌های استقرار آن‌ها به دانش‌سرای مقدماتی و سپس به «دبیرستان ماندگار (دکتر شریعتی کنونی)» تبدیل شد.

□ اداره آموزش و پرورش همدان

این اداره که آن دوران تحت نظارت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود، یکی از سازمان‌های قدیمی فرهنگ ایران است. زمان پیدایش فرهنگ همدان را باید از سال ۱۲۸۲ ش دانست. «سالنامه دبیرستان پهلوی، ۱۳۳۴: ۲۱». اداره معارف همدان زمانی که فریدالدین گلگون کفالت آن را به‌عهده داشت، در حدود سال ۱۲۸۵ش. تأسیس شد و نظارت بر تشکیلات اداری منطقه غرب کشور را نیز به‌عهده داشت. به صورتی که ثبت امتحانات کرمانشاه و سنندج در سال ۱۳۰۸ به‌عهده همدان بود و تا حدود سال ۱۳۱۰، برخی از نامه‌های اداری به عنوان اداره معارف حوزه غرب به همدان ارسال می‌شد (دفتر ثبت گواهی‌نامه‌ها، ۱۳۱۷-۱۳۰۷).

□ مدرسه‌های نوین

الف) مدرسه‌های خارجی و اقلیت‌های مذهبی در همدان:

۱. مبلغان مسیحی پروتستان (مدرسه آمریکایی شورین ۱۲۴۸-۱۲۶۰) و همدان (۱۲۶۰-۱۳۱۰ش.)

در سال ۱۸۶۹م. (۱۲۴۷ش.)، مبلغان مسیحی شخصی به نام هوهانس نهایپتیان را که ساکن روستای شورین^۱ همدان بود، برای گذراندن آموزش‌های لازم به ارومیه بردند. او پس از گذراندن آموزش‌ها و بازگشت به محل زندگی خود، آموزشگاهی تأسیس کرد، اما

۱. از روستاهای نزدیک همدان که محل سکونت تعدادی از ارامنه مهاجر بوده است.

مردم به شدت مخالفت کردند و از شورین اخراج شد. نهایتاً در نهایت بار دیگر به شورین بازگشت و به ریاست مدرسه خودش منصوب شد.



جمعی از دانش‌آموزان کلاس دهم دبیرستان آمریکایی همدان (۱۳۱۳ ش)

این آموزشگاه در سال ۱۸۸۱ م. (۱۲۶۰ ش.) با مدرسه آرامنه ادغام و پنج سال بعد نیز آموزشگاهی^۱ به این مدرسه ملحق شد. شبانه‌روزی شدن آموزشگاه از دیگر فعالیت‌های مسیون آمریکایی برای جذب دانش‌آموزان مسلمان بود (منتظرالقائم، ۱۳۹۵: پ ۳).

جیمز هاوکس^۲ مؤسس مدرسه‌های آمریکایی در شهر همدان بود. همسرش، آنی مونت‌گمری^۳ نیز به او پیوست. مدرسه دخترانه در سال ۱۸۸۲ م. (۱۲۶۱ ش.) و با ورود خانم مونت‌گمری به همدان، تأسیس شد و با شبانه‌روزی شدن، دختران مسلمان نیز در این مدرسه نام‌نویسی کردند.

«برگزاری مراسم دعا و خواندن انجیل به وسیله دانش‌آموزان مسلمان و مسیحی جزئی از برنامه روزانه مدرسه‌های آمریکایی بود. تا جایی که بارها مورد اعتراض والدین و مقام‌های محلی قرار گرفت. هرچند وزارت معارف، مدرسه آمریکایی همدان را در سال ۱۳۰۶ ش. تعطیل کرد و شاگردان آن را به مدرسه‌های ایرانی منتقل کرد، اما مبلغان آمریکایی با میانجیگری سفارت آمریکا، بار دیگر در سال ۱۳۰۹ موفق شدند، آموزشگاه همدان را بازگشایی کنند.» (پیشین).

۱. توسط ملاشموئیل اداره می‌شد.

۲. James Hawkes: مبلغ مسیحی که برای اولین بار به زبان فارسی قاموس کتاب مقدس را نگاشت.

۳. Miss mont gamery: «از میسون‌های آمریکایی که نخستین دبستان دخترانه همدان را راه‌اندازی کرد. مدت ۳۵ سال از آخر عمرش را به فعالیت آموزشی پرداخت و در مشکلات خانواده‌ها یاری‌رسان بود. به او لقب خانم بزرگ داده بودند.» (قشمی، ۱۳۹۶؛ به نقل از: جهان‌پور).

مدرسه آمریکایی شورین به تدریج تعطیل شد، اما مبلغان مذهبی (میسوین‌های) آمریکایی که با مشارکت ارمنی‌ها و یهودی‌های همدان، مدرسه آن‌ها در «درب حکیم‌خانه» رونق پیدا کرده بود، به محل دیگری منتقل شدند. از چگونگی این انتقال اطلاعات بیشتری به دست نیامد، ولی در گزارش بازرسی از مدرسه‌ها و مکتب‌خانه‌ها آمده است، در سال ۱۳۰۴ ش. این مدرسه در محله «سیدجلالان»^۱ با ۲۲۹ دانش‌آموز، از نظر نظافت و کیفیت ساختمان وضع خوبی داشته است (سند: ۹۱/۲۹۷/۶۰۳).

در این میان به ایجاد بنای باشکوهی در باغچه آقا یوسف می‌پردازند که پس از تغییرات کاربری، این مدرسه در حدود سال ۱۳۰۶ به آن منتقل شد و اکنون محل «دبیرستان ابن‌سینا» در خیابان طالقانی است که از مدرسه‌های ماندگار و موفق این شهر است. افراد سرشناسی در این مدرسه حضور یافته و یا سخنرانی کرده‌اند. **ظهیرالدوله**، حاکم همدان، در خاطراتش ذیل جمعه ذی‌حجه ۱۳۲۴ق، مصادف با مرگ مظفرالدین‌شاه، می‌نویسد: «عصر بر حسب دعوت روحانیان آمریکایی رفتیم به مدرسه آن‌ها. بی‌اندازه وضع مدرسه و تربیت آن‌ها را پسندیدیم. معلوم است که هیچ قصدی جز خدمت ندارند. **مولاعلی** (ع) جزایشان بدهد» (ظهیرالدوله ۱۳۸۵: ۴۷).

همچنین **تقی‌زاده**^۲ که خود فارغ‌التحصیل این مدرسه‌ها در تبریز بود (تقی‌زاده، ۱۳۵۰: ۴۲)، در این مدرسه سخنرانی کرده است. روزنامه محلی «گلگون» در این مورد نوشت: «در خرداد ۱۳۰۷ به دعوت مدرسه آمریکایی، سیدحسن تقی‌زاده به همدان آمد تا در جشن پایان تحصیلی نطقی ایراد کند. **فریدالدوله**^۳ شرحی راجع به سوابق مدرسه ایراد کرد و عارف قزوینی هم غزلی خواند. نطق تقی‌زاده در چند روزنامه به طبع رسید» (گلگون، ۱۳۰۷: ۱۹). این مدرسه علاوه بر شیوه دبیرستانی، در سال ۱۳۰۱ به صورت مؤسسه عالی نیز عهده‌دار تربیت کارآموزان در دوره‌های عمومی تجارت بوده است (سند: رضویان، ۱۳۹۸). از آغاز تأسیس در همدان هم دارای دوره متوسطه بود. مواد درسی در کارنامه تحصیلی دانش‌آموزان مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۱۰ - ۱۳۰۹ از این قرار بوده است: فارسی، عربی، انگلیسی، اخلاق، حساب، جبر و مقابله، هندسه، فیزیک، شیمی، تاریخ طبیعی، حفظ‌الصحه، جغرافیا، نقاشی، مشق انگلیسی، مشق فارس، ورزش، حضور، اخلاق.

برای هر سال تحصیلی چهار ربع (چهار قسمت) در نظر گرفته شده بود. در توضیح آن آمده است: «حد اعلای نمرات ۱۰۰، متوسط ۹۰ الی ۸۰ و حداقل ۷۵ که مجبور به تکرار درس خواهد بود. این ورقه در هر ربع، خدمت اولیا ارسال می‌گردد که درجه اطفال

۱. نام قدیمی آن محوطه فرنگی‌هاست، اما محل فعلی آن کوچ‌های منتهی به محوطه آقاجانی بیک، در حوالی پارکینگ طبقاتی است.

۲. «از رهبران مشروطیت، به علوم جدید و تجددطلبانه تمایل یافت. قصد تأسیس مدرسه‌ای به نام «تربیت» را داشت، اما بر اثر مخالفت دایر نشد. در مجلس شورای ملی رهبر فراکسیون دموکرات بود» (افشار، ۱۳۷۲: ۲۶ - ۱۱، برگرفته از: ویکی‌پدیا، ۱۳۹۹).

۳. از اولین رؤسای آموزش و پرورش همدان.

را سنجیده و هر ربع را امضا کنند» (قشمی، ۱۳۹۶).
کلاس‌های این مدرسه نیز طبق اعلان اداره معارف همدان در سال ۱۳۰۶،
از ۱۶ شهریورماه شروع می‌شده است. مدرسه علاوه بر معلمان آمریکایی از معلمان محلی
هم استفاده می‌کرد.

بعد از نظارت مستمر بر مدرسه‌های خارجی و رشد مدرسه‌های داخلی، به تدریج
مدرسه‌های خارجی رونق خود را از دست دادند و به شکل و با نام دیگری فعالیت‌های خود
را پی گرفتند. «طبق نقل قولی سرانجام، مدرسه در دهه ۱۳۱۰ به دلایلی به تهران انتقال
یافت و در خیابان قوام السلطنه با نزدیک به ۲۰۰ دانش‌آموز مستقر شد» (مدرسه کامیونیتی،
پ ۳-۲۰۱۵).

این انتقال اگر همراه با کادر اصلی اداری و آموزشی صورت گرفته باشد، به نظر می‌رسد
بعد از سال تحصیلی ۱۳۱۲ش. بوده است. زیرا طبق دفتر امتحانات مدارس همدان
(۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷)، مدرسه آمریکایی تا سال ۱۳۱۱ به همین نام بوده است و بعد از تعطیلی،
در همان محل در سال ۱۳۱۵ به نام دبیرستان ابن سینا ثبت شده است.

۲. کلیسای گریگوری ارامنه (مدرسه نور ۱۳۳۸-۱۲۸۳ ش.)



مدرسه نور در سمت راست کلیسای گریگوری استفان

«ارمنیان مهاجرانی بودند که به دلیل مشکلاتی که در کشورشان ارمنستان پیش آمده
بود، به ایران مهاجرت کردند و به تدریج در برخی از شهرها از جمله همدان اسکان داده
شدند. تعدادی از این ارمنیان در خود شهر همدان و در محله‌ای به نام سرقله اجتماع و
کلیسایی به نام استپانوس^۲ بنا کردند. تعداد دیگری نیز در بخش شرقی همدان و

۱. Community School, Tehran

۲. این کلیسا به گریگوری هم معروف است. «گریگور قدیس نخستین رهبر دینی ارمنیان بود و در نتیجه کوشش
او تیرداد (پادشاه اشکانی ارمنستان) مسیحیت را دین رسمی کشور اعلام کرد. کلیسا، گریگور را، به سبب آیینی
که آورده بود، لقب لوساووریچ (روشنگر) داد. کلیسای ارمنی نیز خود را کلیسای گریگوری می‌نامد» (سارکسیان،
۱۳۸۳: پ ۱۶-۱۱).

مدرسه نور در سال ۱۳۸۹ تحت نظارت دانشگاه جامع علمی-کاربردی میراث فرهنگی هگمتانه، به مرکز علمی-کاربردی تبدیل شد

در روستای شورین سکونت داده شدند.» (ملکی، ۱۳۸۹: ۵۹).
«مواد درسی در مدارس ارمنی به زبان ارمنی تدریس می‌شد. از سال ۱۹۴۱ زبان فارسی گردید و در کنار آن، هفته‌ای ۶ ساعت به مواد درسی ارمنی (زبان، ادبیات، تاریخ و دینی) اختصاص یافت. در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵ ش)، با وساطت خلیفه‌گری ارمنیان، درس دینی رسمیت یافت» (باغدادساریان، ۱۳۹۹: ۳).

تا تاریخ ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) ۴۴۷ دانش‌آموز فارغ‌التحصیل (۲۴۳ دختر و ۲۰۴ پسر) بودند. بیشترین تعداد دانش‌آموزان در یک دوره آموزشی بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر بوده است. در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) دانش‌آموزان در حال تدارک برنامه‌های سال نو در مدرسه بودند. در حالی که مشغول تمرین مراسم شب ژانویه بودند، به علت سرما، یکی از شاگردان شعله بخاری کلاس را بیشتر کرد، اما بعد از اتمام تمرین بخاری را خاموش نکرد و مدرسه را ترک کردند. همین کار باعث آتش‌سوزی در مدرسه شد. با این حال مراسم جشن سال نو را برگزار کردند. مدیر مدرسه (تامرازیان) با حالی آشفته روی صحنه آمد و گفت: «مدرسه آتش گرفته، ولی ما هنوز زنده‌ایم. ما مدرسه تازه‌ای می‌سازیم.» در همان وقت همه فریاد زدند: «ما هستیم، مدرسه را دوباره می‌سازیم.»

در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) از شهر همدان فقط ۲۲ نفر به ارمنستان مهاجرت کردند و این موضوع باعث تعطیلی مدرسه نور شد. در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) به علت کم‌بودن تعداد دانش‌آموزان شد، وسایل و ملزومات مدرسه نور به مدرسه «شرف» ارمنیان در شهر اراک انتقال داده شدند.

مدرسه نور در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) تحت نظارت دانشگاه جامع علمی-کاربردی میراث فرهنگی هگمتانه، به مرکز علمی-کاربردی تبدیل شد» (میناسیان، ۱۳۹۲: ۳).

۳. کلیسای انجیلی آشوری (مدرسه ملی الوند ۱۳۶۸-۱۳۱۳ ش.)

در میان مهاجران آشوری که به همدان آمدند، برخی تحصیل کرده بودند؛ از جمله رابی اسحاق اورشان، مدیر و سردبیر روزنامه آشوری «زاهریادی باهرا» (اشعه نور). وی ساکن ارومیه بود و با مبلغان مذهبی (میسسیونرهای) آمریکایی همکاری داشت (گورگیز، ۲۰۱۵: ۱۳۳؛ برگرفته از: books.google).

رابی اسحاق اورشان بعد از مهاجرت در همدان، به عنوان مبلغ مذهبی و معلم، ماندگار شد و به تأسیس مدرسه پرداخت. به نظر می‌رسد که قبل از مهاجرت، تحت تأثیر تبلیغات و تعلیمات مبلغان مذهبی آمریکایی در ارومیه، به کلیسای انجیلی پروتستانی پیوسته باشد.

رابی اسحاق در سال ۱۳۱۱ در همدان در «مدرسه ملی اکباتان» که ابوالحسن درخشان رئیس آن بود، به عنوان معلم مشغول بود. گروهی از مسیحیان وی را به عنوان کشیش قبول داشتند و آن مجموعه به مدرسه اکباتان کمک می‌کرد. در سال ۱۳۱۳ مدرسه به رابی اسحاق واگذار شد و نام آن به الوند تغییر یافت. اول مدرسه دخترانه شروع به کار کرد.

بعد به کودکان و دوره اول دبیرستان گسترش پیدا کرد و به موازات آن کودکان دبستان و دبیرستان پسرانه هم تأسیس شد. بعد از فوت وی مدرسه تعطیل نشد و دخترش مدرسه را اداره می‌کرد» (زندگی، ۱۳۹۸؛ برگرفته از: همدان‌نامه).

۴. یهودی‌ها (مدرسه آلیانس / اتحاد ۱۳۵۷ - ۱۳۷۸ ش.)



کارمندان، مدیر مسیو کوئو، و فارغ‌التحصیلان دوره اول متوسطه آلیانس (۱۳۱۸ ش)

منبع: موزه مدرسه

«در نوامبر ۱۸۹۹ (۱۲۷۷) باسان و همسرش مأمور شدند شعبه آلیانس را در همدان برپا کنند. این دو نفر در ژوئن ۱۹۰۰ به همدان رسیدند. در همان سال، او مدرسه آلیانس پسران و همسرش مدرسه دختران را تأسیس کردند. در آغاز سال تحصیلی ۳۵۰ پسر و ۲۵۰ دختر را پذیرفته و ثبت نام شدند. مسلمانان هم کودکان خود را برای فراگرفتن زبان فرانسه به آلیانس فرستادند؛ چنان‌که در همین سال مدرسه ۳۰ دانش‌آموز مسلمان داشت» (صنایعی، ۱۳۹۸: ۱۶). «بعد از شش سال، تعداد شاگردان مدرسه پسران به ۶۰۰ تن رسید و طبق آمار سال ۱۳۰۶ وزارت معارف، تعداد ۱۵۹ نفر رایگان تحصیل می‌کردند و تعداد فارغ‌التحصیلان از آغاز تأسیس، بالغ بر یک‌صد نفر بود. مدرسه دختران نیز ۳۰۰ دانش‌آموز و هشت آموزگار داشت» (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۴۳).

▣ برنامه تحصیلی مدرسه‌های آلیانس همدان

«تربیت به گونه‌ای عمل می‌کرد که محصل به تقلید از یک جوان فرانسوی کشانده می‌شد. برنامه مدرسه پسرانه آلیانس همدان در سال‌های اولیه شامل فرانسه، فارسی، تاریخ، جغرافی، حساب و مقداری علوم به علاوه علوم دینی می‌شد. در سال ۱۲۸۸، افزون بر زبان و ادبیات فرانسه، برنامه تحصیلی شامل زبان فارسی، تاریخ و جغرافی جهان و ایران، حساب،

خوش‌نویسی و نقاشی می‌شد و محصلان متن‌هایی از لافونتن، ویکتور هوگو، الکساندر دوما و مولیر می‌خواندند. برنامه درسی بخش دختران با بخش پسران یکی نبود. دختران تا چهارده سالگی درس می‌خواندند و برای زناشویی آماده می‌شدند. آن‌ها دوزندگی، بافندگی، قالی‌بافی، پخت‌وپز و زبان را فرا می‌گرفتند.

مدرسه، محصلان را به والیبال و بسکتبال برمی‌انگیخت و با مسابقه، عشق به ورزش را پرورش می‌داد.

افزون بر فارسی، زبان فرانسه، اندکی انگلیسی و شاگردان یهودی عبری نیز می‌خواندند. شریعت شاگردهای مسلمان و اقلیت‌ها مجزا تدریس می‌شد و اجباری برای تدریس به اقلیت‌ها وجود نداشت. به عنوان نمونه، در طی پروگرام درسی فقه جزء دروس رسمی مقطع متوسطه گردید. امتحانات پایان سال را به زبان فرانسه می‌گذراندند. کارنامه تحصیلات ابتدایی را پس از ۶ سال و دیپلم^۱ را پس از ۹ سال می‌گرفتند» (صنایعی، ۱۳۹۸: پ ۳۰-۳۲).

اما طبق گزارش بازرس محلی، این مدرسه در محله «اسپرون کوب‌های مختارن»^۲، در سال ۱۳۰۴ش. از نظر نظافت در وضعیت خیلی خوبی بوده است. این در حالی است که طبق همین گزارش، مکتب‌خانه‌ها با آموزشی متوسط اما وضعیت بهداشتی نامطلوب به فعالیت خود ادامه می‌دادند (سند ۹۱/۲۹۷/۶۰۲).

ب) مدرسه‌های اولیه مسلمانان: مدرسه‌های پسران:

۱. مدرسه فخریه مظفریه (۱۲۸۱ش.)

«در کتاب خاطرات علی‌خان ظهیرالدوله، حاکم همدان (۱۳۲۵ق.)، نام این مدرسه به‌عنوان اولین مدرسه به سبک جدید در شهر همدان آمده است. مدیر آن تقی نراقی بوده است» (مؤمن، ۱۳۸۳: ۴۸؛ نقل از: ظهیرالدوله: ۱۲۲) همچنین می‌نویسد:

«بعد از ظهر بر حسب دعوت رفتیم به مدرسه فخریه مظفریه که امتحان داشتند. این مدرسه هشتاد نفر پسر شاگرد دارد. مدیرش آقا تقی است که جزء وکلای منتصب تجار همدان است^۳ و فوق‌العاده زحمت می‌کشد. میل دارد این مدرسه بهتر از سایر مدارس همدان باشد، ولی چون هیچ‌کس از اهل همدان با او همراهی نمی‌کند، دخل و خرجش برابر نیست، بلکه شاید نصف کمتر باشد.» (ظهیرالدوله، ۱۳۸۵: ۴۸).

۲. مدرسه اسلامییه (۱۲۸۳ش.)

«اسلامیه» و «اسلامی» اسم خاص مدرسه نبوده، بلکه صفت و ویژگی مدرسه در مقابل

۱. سیکل اول

۲. این محله فراموش شده در محله مختاران قدیم است. محل تقریبی آن نزدیک محوطه قاشق‌تراشان بوده است.
۳. به نشر روزنامه سعادت نیز پرداخت: «در سال ۱۳۲۵ق به مدیریت محمدتقی نراقی تا سال (۱۳۲۶ق.) ادامه یافت» (مؤمن، ۱۳۸۳: ۴۸). «تألیفاتی هم دارد از جمله: احقاق الحق (در رد باینان)، اخلاق احمدی، رساله قصاصیه» (اذکائی دست‌نویس / معارف).

مدرسه‌های اهل کتاب آمریکایی و آلیانس بوده است. اما دو مدرسه به همین نام‌ها در میان مدرسه‌های اولیه ذکر شده‌اند:

«مدرسه اسلامیة توسط دو تن از بزرگان طایفه قراگوزلو در سال ۱۳۲۳ ق. در شورین احداث شد. تأسیس کنندگان **حسین قلی خان ضیاءالملک** و **زین‌العابدین حسام‌الملک** بودند» (مؤمن، ۱۳۸۳: ۴۸؛ به نقل از: *ظهیرالدوله*، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

«مدرسه اسلامی، توسط تقی رسولی در سال ۱۳۲۳ ق. بنا شد. او و چند تن دیگر، با استفاده از تأثیرات مدارس آمریکایی و مدرسه آلیانس، چند مدرسه در همدان برپا نمودند. از جمله این افراد می‌توان **موسی نثری**، **سیدحسن مجیدزاده**، **میرزا حسین خان صفا** و **شمس‌الدین عشقی** را یاد کرد» (همان؛ به نقل از *سالنامه دبیرستان پهلوی همدان*، ۱۳۳۴: ۲۱).

۳. مدرسه امیریه (۱۲۸۶ ش.)

«در سال ۱۳۲۵ ق. در همدان به همت **سیدمحمد غمام همدانی**، **موسی نثری** و عده دیگری دایر گردید. فعالیت‌های مدرسه پس از پنج سال با تأسیس مدرسه نصرت متوقف گردید.» (مؤمن، ۱۳۸۳: ۴۸) از تلاش افراد دیگری نیز برای تأسیس و تدریس در این مدرسه نام برده شده است؛ از جمله: «**آقا شیخ سلیمان**، **آقا ضیاء**، **ثقه‌الاسلام**، **ابوالقاسم هوشیار**. دبستان امیریه هشت کلاس داشت و از افراد سرشناس برای تدریس دعوت به عمل آمد؛ از جمله **ادیبالاشراف** و **موسی نثری**» (زند، ۱۳۹۷: ۴۵۱).

۴. مدرسه الفت (۱۲۸۷ ش.)

«از جمله افراد تأثیرگذار در محافل ادبی همدان در دوره معاصر **غمام همدانی** بود که در تأسیس این مدرسه هم تأثیرگذار بود. نقش وی در روشنگری دوره مشروطه فراتر از همدان بود. وی در سال ۱۳۳۴ ق. **انجمن اتحاد** را تأسیس نمود، از اعضای آن **محمدباقر الفت اصفهانی** بودند...» (مؤمن ۱۳۸۳: ۴۹). نام الفت علاوه بر اینکه در روزنامه وی دیده می‌شود، در نام مدرسه الفت نیز به چشم می‌خورد؛ که نشانگر نوعی تأثیرپذیری غمام از نام الفت یا شخصیت او بوده است.

۵. مدرسه شریفیه (۱۲۸۹ ش.)

«مؤسس آن **حاج محمد شفیع** از متمولان و خیرخواهان همدان بود. یکی از آموزگاران این مدرسه **شیخ میرزا محبعلی قراگوزلو** بود که تا قبل از تأسیس مدرسه شرافت مدیریت و آموزگاری این مدرسه را به عهده داشت» (مؤمن، ۱۳۸۲: ۵۳). این مدرسه تا حدود سال ۱۲۸۹ ش. فعال بود و بعد از چندی تعطیل شد. به نظر می‌رسد، مدرسه شرافت ادامه فعالیت‌های همین مدرسه باشد.

۶. مدرسه شرافت (۱۲۹۱ ش.)



جمعی از دانش آموزان، مدیر (محب‌علی قراگوزلو) و کارکنان دبستان شرافت (۱۳۱۳ ش.)

منبع: موزه مدرسه

«در برگه احصائیه (آمار ۱۲۹۳ ش) از مدارس آمده است که این مدرسه به مدیریت شیخ میرزا محب‌علی (قراگوزلو) در محله چمن سبزوار در ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ ق. بدون اعانه (کمک) تأسیس شده است» (جهان‌پور، ۱۴۰۰: ۱۹۱ - سند: ۲۹۷/۲۷۴۱۳). محل اولیه این مدرسه از پشت امام‌زاده شاهزاده حسین به باغ کلیمی‌ها، پشت «آرامگاه استر و مردخای» انتقال یافت. در این مدرسه شرعیات، مقدمات، ریاضی، هندسه، تاریخ و جغرافیا و حتی زبان فرانسه تدریس می‌شد. مؤسس مدرسه با وجود مخالفت برخی افراد، اقدام به استخدام معلمی یهودی به نام ملا منهم کرد. او به زبان فرانسه مسلط بود. تأسیس این مدرسه دو هدف داشت: یکی مقابله با مدرسه‌های خارجی و اقلیت‌های مذهبی که در حال گسترش و تأثیرگذاری بر مسلمانان بودند، و دیگری رفع کمبود مدرسه‌های ملی و دولتی.

۷. مدرسه نصرت (۱۲۹۱ ش.) / دبیرستان پهلوی (۱۳۰۸ ش.)



جمعی از دانش‌آموزان، معلمان و رئیس معارف (مرحوم نثری) مدرسه نصرت (۱۳۰۷ ش.)
منبع: موزه مدرسه

«مدرسه نصرت اولین مدرسه دولتی بود و از آثار حزب سوسیال دموکرات همدان به‌شمار می‌آمد. در تأسیس این مدرسه افراد همدانی همچون فریدالدوله، علی محمد آزاد، موسی نثری، فریدالسلطان و غمام نقش داشتند. نخستین مدیر این مدرسه میرزا عطاءالله خان بود. پس از او فریدالدوله و بعد از وی شمس‌الله خان عهده‌دار این مقام شدند. فضای آموزشی مدرسه بعدها گسترش پیدا کرد و دارای ۸ کلاس شد و سرپرستی آن را هیئت شورویه به‌عهده گرفت...» (مؤمن، ۱۳۸۳: ۴۸).

در حدود سال ۱۲۹۵ ش، مرحوم نثری با استخدام در وزارت معارف به عنوان مدیر مدرسه انتخاب می‌شود (سند: ۹۱/۲۹۷/۱). در سال ۱۳۰۴ در این مدرسه دوره متوسطه نیز تأسیس شد. در همدان این اولین دوره متوسطه در یک مدرسه دولتی بود و به‌نظر می‌رسد که ضمیمه ابتدایی شروع به فعالیت کرده باشد. از سال ۱۳۰۸ به دبیرستان پهلوی تغییر نام یافت. (سند: ۹۱/۲۹۷/۱۲).



کارکنان و رئیس بازرسی اداره (آزاد همدانی) هنگام ساخت دبیرستان پهلوی (۱۳۱۴ ش.)

با تکمیل دبیرستان پهلوی در سال ۱۳۱۵ ش، دانش‌آموزان دوره متوسطه آن به محل جدید منتقل شدند و اکنون با نام «دبیرستان ماندگار امام خمینی» به فعالیت آموزشی خود ادامه می‌دهد.

۸. مدرسه و قرائت‌خانه اعتماد مظفریه (۱۲۹۴ ش.)

«قرائت‌خانه‌ها با جمع‌آوری برخی از منابع و کتاب‌ها، به‌خصوص نشریات سیاسی، از مشروطه به بعد تأسیس شدند. رسالت این مراکز تنویر افکار جوان و روشن‌فکرانی بود که به این محل‌ها رفت‌وآمد می‌کردند و با صدای بلند نشریات را می‌خواندند» (ولدی ۱۴۰۱ ش - مصاحبه شخصی). با ورود سیدحسین مدنی (مترجم نظام) به عنوان ریاست اداره معارف همدان، در کنار این قرائت‌خانه مدرسه‌ای هم تشکیل شد.

۹. مدرسه ایتام (۱۲۹۴ ش.)



دانش‌آموزان، مدیر (مترجم نظام) و کارکنان مدرسه ایتام (۱۳۰۰ ش.)

«در سال ۱۲۹۴ ریاست معارف و اوقاف همدان به‌عهده آقای مترجم‌النظام^۱ گذاشته شد. نامبرده علاوه بر توسعه فرهنگ همدان، مدرسه‌ای به نام ایتام تأسیس می‌نماید که از کودکان بی‌سرپرست نگهداری می‌گردد. مدرسه مزبور علاوه بر تعلیم و تربیت، هزینه آنان را نیز به‌عهده داشت» (زند، ۱۳۹۷: ۴۵۶). وی که در دوران تحصیل با نظام پرورشگاه‌های آمریکایی آشنا شده بود، در همدان پرورشگاهی تحت عنوان «دارالایتام» تأسیس می‌کند.

۱. سیدحسین مدنی

۱۰. مدرسه فرهنگ / صفدریه (۱۲۹۵ ش.)



معلمان و مدیر (ابراهیم صفدری) و دانش‌آموزان دبستان فرهنگ (۱۳۰۶ ش.)

«میرزا محمود پرورش متصدی امور معارف و اوقاف همدان (سال ۱۲۹۵) مکتب‌خانه‌ها را تشویق می‌نماید که مکاتب را به دبستان جدید درآورند. مکتب‌خانه‌ای که سرپرستی آن را آقای ابراهیم صفدری به عهده داشت، به مدرسه فرهنگ تبدیل گردید. مدرسه ملی فرهنگ در کنار شهر، نزدیکی پل یخچال (نزدیک فروشگاه فرهنگ) به کار خود ادامه داد و مرحوم کاظم اذکائی در اداره امور به شیخ ابراهیم کمک می‌کرد» (زند، ۱۳۹۷: ۴۵۷).

۱۱. مدرسه تهذیب (۱۳۰۱ ش.)

«دبستان دولتی تهذیب بعد از تأسیس در سال ۱۳۰۱ در محوطه پای مصلی، در سال ۱۳۰۶ به ریاست آقای محمدعلی خلیلی دارای ۷۷ دانش‌آموز، در یک کلاس تهیه و چهار پایه تحصیلی بوده است.» (زند ۱۳۹۷). این مدرسه طبق گزارش سال ۱۳۰۴ ش. از نظر بهداشتی وضعیت خوبی داشته است (سند: ۹۱/۲۹۷/۶۰۲).

۱۲. مدرسه دانش (۱۳۰۳ ش.)

«دبستان ملی دانش به مدیریت ابوالقاسم فیاض تأسیس شد» (زند، ۱۳۹۷: ۴۶۰). مؤسس مدرسه در نامه‌ای می‌نویسد:

«وزارت فرهنگ، اداره کارگزینی / پاسخ نامه شماره ۳ / ۲۷۰۴۹-۲۹/۶/۹»

این‌جانب ابوالقاسم فیاض در سال ۱۳۰۳ موفق به تأسیس دبستانی در همدان گردیدم. و چون در سال ۱۳۰۹ دارای کلاس ۵ و ۶ بود، این‌جانب هم صلاحیت مدیریت شش کلاسه را داشتم، هم در کلاس‌های ۵ و ۶ تدریس می‌نمودم. امتیاز شش کلاسه

رسمی ش - ۱۳۱۱/۱۱/۲۵ وزارت - طبق گواهی اداره فرهنگ همه ساله تدریس می نمودم. در نتیجه سابقه خدمتی ۲۶ سال، اداره متبوعه پیشنهاد صدور حکم پایه ۱ آموزگار را جهت اینجانب نمودند» (پیشین).

۱۳. مدرسه محمدیه (۱۳۰۵ ش.)

«مدرسه محمدیه توسط میرزا محمد زرین قلم تأسیس شد. به دلیل خط خوشی که داشت به این نام معروف گردیده بود. وی علاوه بر مدیریت، دروس قرآن، تعلیمات دینی و خوش نویسی تدریس می نمود. از آنجا که مردی باتقوا بود، مردم رغبت زیادی به فرستادن فرزندان خود به این مدرسه داشتند. شاگردان این مدرسه در قرائت قرآن مجید و برپا نمودن جشن ها و سوگواری های مذهبی سرآمد بودند. خانواده ها ماهانه شهریه ای که از سه ریال تجاوز نمی کرد، می پرداختند» (مؤمن، ۱۳۸۳: ۴۸؛ به نقل از: گروسین، ۱۳۷۲: ۲۷-۲۴).

۱۴. مدرسه حقیقت (۱۳۰۶ ش.)

دبستان حقیقت در سال ۱۳۰۶ توسط آقا جلال سعیدی شروع به فعالیت کرده است؛ اما فعالیت آن محدود بود و بعد از چندی تعطیل می گردد. در بخشی از شکایت مکتب داری از این مدرسه آمده است^۱:

«بر حسب اعلان اداره معارف، به واسطه دبستان باید اجازه نامه از اداره معارف داشته باشد، لذا سید حلبی ساز و یک نفر دیگر در شالبافان، علمیه حقیقت تأسیس نمودند. البته باید امور اداری، عمومیت داشته باشد. از طرف حسن مکتب دار.»

۱۵. مدرسه سادات (۱۳۰۶ ش.)

«از جمله مدارس علوم دینی که تا حدودی متعلق به سادات بود، می توان به این مدرسه اشاره کرد که مدیریت آن را حاج سیدعلی اکبر قندهاری برعهده داشت. به سبب بضاعت اندک مالی خانواده ها، شهریه ای دریافت نمی شد. کمبود سرمایه و بودجه این مدرسه را در فاصله اندکی دچار تعطیلی کرد و دانش آموزان آن جهت ادامه تحصیل به مدرسه محمدیه رفتند» (پیشین).

۱۶. مدرسه فیضی (۱۳۰۶ ش.)

این مدرسه توسط زین العابدین (فیضی) به صورت مکتب خانه تأسیس شد. فرزند ایشان، مرحوم عباس فیضی^۲ در این باره می نویسد:

«میرزا زین العابدین^۳ در سال ۱۲۸۴ ش در محله قدیمی جولان متولد، تحصیلات مقدماتی را فراگرفته، به حوزه طلاب زنکنه همدان، و جهت تکمیل دروس حوزه به قم

۱. تفصیل نامه در بخش مکتب خانه بیان شد.

۲. از پژوهشگران فرهنگ همدان

۳. فرزند حجة الاسلام فیضی، معروف به شیخ الاسلام همدانی

وارد و با کسب اجازه از اساتید به همدان وارد و در سال ۱۳۰۱ با لباس روحانیت مدرسه فیضی را تأسیس و مشغول تعلیم و تربیت شد. در سال ۱۳۰۴ با فشار دولت وقت، لباس روحانیت خارج و تا سال ۱۳۴۵ مشغول انجام وظیفه و بر اثر کهنه‌ت از کار کناره می‌گیرد. «فیضی، ۱۳۷۲: ۱».

۱۷. مدرسه اکباتان (۱۳۱۰ ش.)

چنانچه بیان شد، این مدرسه به مدرسه الوند تبدیل شد. درباره زمان دقیق حذف نام اکباتان از این مدرسه اطلاعی به دست نیامد، اما در دفتر امتحانات تا سال ۱۳۱۷، نام دخترانه اکباتان با فارغ‌التحصیلانی که اکثر آن‌ها غیرمسلمان بودند، ثبت شده است (امتحانات آموزش و پرورش همدان، ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷). «در سال ۱۳۲۲ نیز با نام اکباتان دارای ۹۷ دانش‌آموز بوده است» (زند، ۱۳۹۷: ۴۷۳).

ب) مدرسه‌های اولیه مسلمانان: مدرسه‌های دختران:

۱. مدرسه نسوان / تربیت نسوان (۱۲۹۹ ش.)

اولین مدرسه دخترانه دولتی همدان بود که در دوران خود از نشانه‌های توجه دولت وقت به آموزش دختران بوده است، اما به علت کمیبود شدید معلم خانم تحصیل کرده در همان سال‌های اولیه با مشکلاتی روبه‌رو گردید.

«خانم مشعشعی به عنوان اولین معلم خانم در مدرسه‌های دولتی همدان در این مدرسه شروع به تدریس در پایه اول می‌کنند» (قشمی، ۱۳۹۶؛ به نقل از: جهان‌پور). «در سال ۱۳۰۲ نیز خانم استعدادی با ماهی ۱۰ تومان و هفته‌ای ۴۲ ساعت تدریس، به‌عنوان معلم کلاس دوم، با نماینده معارف همدان / میرزا محمدخان درخشان، در ۶ ماده قرارداد می‌بندند» (سند: ۹۱/۲۹۷/۲۲).

۲. مدرسه مخدرات اسلامی / دوشیزگان (۱۳۰۵ ش.)

این دبستان ملی در حدود سال ۱۳۰۵ فعالیت خود را به ریاست خانم معصومه صدری شروع کرد. در همدان علاوه بر مدرسه‌های ذکرشده، مدرسه‌های دخترانه مسیحی‌ها و کلیمی‌ها فعال بودند. اما این اولین مدرسه دخترانه‌ای بود که با نام اسلامی در این شهر به فعالیت پرداخت. از مؤسسين این مدرسه و چگونگی کیفیت آموزشی آن در حد نامش اطلاعی به دست نیامد، اما چند نامه در اوایل فعالیت این مدرسه در دست است؛ از جمله:

«مقام محترم ریاست اداره معارف و اوقاف

به عرض می‌رساند، در خصوص یک نفر معلم که بنا بود از آن اداره برای این مدرسه

۱. نسوان به معنی زنان است و نام خاص دیگری نداشته است.

۲. زنان پرده‌نشین؛ زنی که در حجاب باشد (بهشتی، ۱۳۷۱: ۹۶۹).

تعیین شود، اگر صلاح بدانید کُنترات^۱ آن به اسم کمینه^۲ نوشته و مبادله شود. امر فرمایید مواد کُنترات آن مطابق با مقررات اداره مرقوم داشته، معلم مزبور امضا نموده، یک ورقه آن را هم کمینه امضا نماید. امضا/ صدری» (سند: ۹۱/۲۹۷/۵۸۳).

۳. مدرسهٔ اناث / نمرهٔ ۴ (۱۳۰۶ش.)

از مدرسه‌های دولتی دخترانه در همدان است که برای اطلاع از نحوهٔ تأسیس و پذیرش دانش‌آموز در این مدرسه، اول بهمن ۱۳۰۶ اعلان زیر منتشر شد:

«چون وزارت معارف در نظر دارد از اعتبار صد و نیم مالیات، شش باب مدرسهٔ مجانی در بلوک همدان و یک باب در شهر همدان مفتوح شود، لذا کلاس‌های مدرسهٔ مزبور را امسال تأسیس نموده و من جمله مدرسهٔ مجانی اناث نمرهٔ ۴ است که در محلهٔ چمن سیزه‌وار، کوچهٔ جنب حمام، خانهٔ آقا سیدحسین، مفتوح شده و شاگرد برای سال اول قبول می‌کند و تا آخر بهمن برای ثبت اسامی همه‌روزه به استثنای روزهای تعطیل از سه ساعت قبل از ظهر تا ظهر مفتوح است.»

رئیس ادارهٔ معارف و اوقاف همدان: نشری - مهر» (قشمی، ۱۳۹۶)

دبستانی‌های دیگری هم به شرح جدول زیر تا سال ۱۳۲۰ تأسیس شدند:

ردیف	دبستان	سال تأسیس یا دایر	نوع	پسر - دختر	محل
۱	اکباتان	۱۳۱۰	ملی	پسرانه	کوچه مسجدحاج احمد
۲	کمال	۱۳۱۱	ملی	پسرانه	خیابان شورین، جولان
۳	حسینیه	۱۳۱۱	ملی	پسرانه	...
۴	تعلیم و تربیت	۱۳۱۱	ملی	مختلط	...
۵	فردوسی	۱۳۱۱	ملی	پسرانه	جولان
۶	دیانت	۱۳۱۱	ملی	پسرانه	...
۷	اعتمادیه	۱۳۱۱	دولتی	پسرانه	...

۱. قرارداد

۲. این بندهٔ کوچک؛ حقیر

۳. به معنی دختران است و منظور از نمرهٔ ۴، چهارمین مدرسهٔ دولتی پس از مدرسه‌های پسرانهٔ نصرت، تهذیب و دخترانهٔ نسوان بوده است.

ردیف	دبستان	سال تأسیس یا دایر	نوع	پسر - دختر	محل
۸	صادقیه	۱۳۱۱	ملی	پسرانه	...
۹	اکباتان / الوند	۱۳۱۳	ملی	دخترانه	... / آقاجانی بیک
۱۰	مهستی / عفتیه	۱۳۱۳	دولتی	دخترانه	کوزه‌گرها
۱۱	اناث / عصمتیه	۱۳۱۴	دولتی	دخترانه	پل پهلوان‌ها
۱۲	نسوان / شاهدخت	۱۳۱۴	دولتی	دخترانه	بوعلی، اول جوادیه
۱۳	۱۵ بهمن	۱۳۱۵	دولتی	دخترانه	خیابان عباس‌آباد، قبر پلویی
۱۴	سعدی	۱۳۱۵	دولتی	پسرانه	باغچه آیوسف
۱۵	داریوش	۱۳۱۶	ملی	پسرانه	نجارخانه
۱۶	شاپور	۱۳۱۸	دولتی	پسرانه	فیل‌خانه، خیابان عباس‌آباد
۱۷	کفایت	۱۳۱۹	دولتی	پسرانه	...
۱۸	۱۷ دی	۱۳۱۹	دولتی	دخترانه	کبابیان
۱۹	اکباتان / الوند	۱۳۱۹	ملی	پسرانه	... / کوچه فرنگی‌ها
۲۰	باباطاهر	۱۳۱۹	دولتی	پسرانه	فرعی باباطاهر، حصیرباف‌ها

دبیرستان‌های دیگری هم به شرح جدول زیر در همان سال‌ها تأسیس شدند:

ردیف	دبیرستان	سال تأسیس یا دایر	نوع	پسر - دختر	محل
۱	ایراندخت	۱۳۱۱	ملی	دخترانه	پذیرائی، دبیرستان ابن‌سینا
۲	شاهدخت/وحدت	۱۳۱۴	دولتی	دخترانه	... خیابان سیروس، تختی
۳	شرافت	۱۳۱۶	ملی	پسرانه	پشت باغ استر ... و کولانج
۴	زنگنه	۱۳۱۷	دولتی	پسرانه	خیابان عباس‌آباد، حوزه زنگنه

منابع

۱. آموزش و پرورش استان همدان، ثبت گواهی‌نامه‌های ششم ابتدایی و متوسطه (۱۳۰۷-۱۳۱۷) و دفتر امتحانات تا سال ۱۳۵۳.
۲. اذکائی، پرویز (۱۳۹۸). متن دست‌نویس. نشریه معارف. شماره ۳۴. کتابخانه مرکزی همدان.
۳. باغداساریان، ادیک (۱۳۹۹). نگاهی به تاریخ مدارس ارمنی ایران. [بی‌نا]. [بی‌جا].
۴. بهشتی، محمد (۱۳۶۹). فرهنگ صبا. انتشارات صبا. تهران.
۵. سالنامه دبیرستان پهلوی همدان، سال تحصیلی ۵-۱۳۳۴.
۶. ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸). اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی. سازمان اسناد ملی.
۷. علی‌زاده، عزیزالله (۱۳۵۰). زندگی طوفانی: خاطرات تاریخ پهلوی، سلاطین پهلوی، سیاستمداران ایرانی. انتشارات فردوس. تهران.
۸. رضویان، امیر شهاب (۱۳۹۸). اسناد خانوادگی.
۹. زند، عباس (۱۳۹۷). تاریخ، فرهنگ و معارف همدان. انتشارات برکت کوثر. تهران.
۱۰. دفتر ثبت گواهی‌نامه‌های ششم ابتدایی و متوسطه (۱۳۰۷-۱۳۱۷) و دفتر امتحانات تا سال ۱۳۵۳. آموزش و پرورش استان همدان.
۱۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مدیریت غرب: همدان (۱۴۰۰-۱۳۹۷).
۱۲. سارکسیان، کارون (۱۳۸۳). دودمان گریگور مقدس و نخستین رهبران دینی ارمنستان. نشریه فرهنگی پیمان. شماره ۲۷.
۱۳. صنایعی، پویا (۱۳۹۸). یهودیان همدان و مدرسه آلیانس. [بی‌نا]. [بی‌جا].
۱۴. ظهیرالدوله، صفا علی (۱۳۸۵). سفرنامه ظهیرالدوله. به تصحیح سیف‌الله وحیدنیا. نشر آبی. تهران.
۱۵. فیضی، عباس (۱۳۷۲). دبستان مبارکه فیضی (دست‌نویس).
۱۶. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه. نشر دانشگاهی. تهران.
۱۷. قشمی، سید امیر (بی‌تا). گنجینه ابن‌سینا (مدارس قدیمی همدان). اطلاع‌رسانی موزه آموزش و پرورش. تلگرام ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰.
۱۸. فریدالدوله، محمدحسن (۱۳۰۷). نطق سیدحسن تقی‌زاده در مدرسه آمریکایی. به کوشش مهدی خیال. روزنامه گلگون. اسناد ملی.
۱۹. گورگیز، هانیبال (۲۰۱۳). روستای آدا در گذر زمان. برگرفته از: books.google.
۲۰. ملکی، آئوشیک (۱۳۸۹). نگاهی اجمالی به حوزه‌های انتخابی ارمنیان در مجلس شورای اسلامی. فصلنامه فرهنگی پیمان. شماره ۵۴.
۲۱. منتظرالقائم، محمدباقر (۱۳۹۵). فعالیت‌های مبلغان مذهبی آمریکایی در ایران. [بی‌نا]. [بی‌جا].
۲۲. مؤمن، ابوالفتح (۱۳۸۳). مشروطه کوچک همدان. پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی. نشریه زمانه. شماره ۲۳.
۲۳. میناسیان، هویک (۱۳۹۲). گوشه‌ای از تاریخ ارمنیان ایران، مدرسه ارمنیان نور همدان.
۲۴. ولدی، مولود (کتابدار). مصاحبه شخصی. ۱۴۰۱.
۲۵. مدرسه کامیونیتی؛ پ ۳-۲۰۱۵: https://en.wikipedia.org/wiki/Community_School,_Tehran

